

معرفی نسخه‌های خطی تغییر خط

و ترجمه منتشر نشده «بیانیه انجمن علمیه عثمانیه» در تغییر خط اسلام

کاظم استادی

مقدمه

نسخه‌های خطی‌ای که با موضوع «تغییر خط» نگاشته شده‌اند، بسیار اندک هستند. اجمالاً می‌توان به چند دلیل، برای انگشت‌شمار بودن آنها اشاره کرد:

۱. نوپا بودن بحث تغییر خط

شاید نقطه آغاز بحث تغییر خط در دوران معاصر، فراترازی‌کصد و پنجاه سال نشود. این موضوع، زمانی مورد توجه قرار گرفت که کشورهای اروپایی و غربی، پیشرفت‌های قابل توجه‌ای نمودند، و در شرق، اولیای امور به همین مناسبت، در پی کشف این پیشرفت‌ها و یا علت عقب‌ماندگی‌های خود بودند. پس، ابتدا توجهشان به سواد و سوادآموزی و معایب آموزش و خواندن و نوشتن، جلب شد. در این زمان زمره‌های بحث تغییر خط، آغاز گشت؛ بنابراین موضوع تغییر خط را از این منظر، می‌توان نوظهور دانست، و به همین دلیل، در این زمان اندک، نمی‌توان توقع داشت آثار زیادی، تألیف شده، در دسترس قرار گرفته باشد.

۲. پیدایش صنعت چاپ

شاید یکی از دلایل ایجاد بحث تغییر خط، ظهور صنعت چاپ باشد که پس از مدت‌های بسیاری که در غرب رواج داشت، در شرق رواج

چکیده: نسخه‌های

خطی پیرامون موضوع «تغییر

خط» بسیار اندک هستند. در این میان، یکی از منابع پیرامون این موضوع، رساله‌ای از آخوندزاده‌ی باشد که مشتمل بر دو رساله‌ی ضمیمه شده به هم است. یکی حدود هشت صفحه فارسی و دیگری شانزده صفحه و به زبان ترکی استانبولی‌ی باشد. نویسنده در مقاله حاضر، ابتدا به ذکر دلایل این امر از قبیل نوپا بودن بحث تغییر خط، پیدایش صنعت چاپ، کم‌حجم بودن و فهرست نویسی نشدن کتاب‌ها، و خارج نشین بودن نویسندگان قدیمی این موضوع، همت گاشته است. در ادامه، به معرفی ده عنوان نسخه‌ی خطی پیرامون تغییر خط فارسی اقدام نموده است. سپس بعد از ذکر اتوبیوگرافی آخوندزاده، رساله‌ی خطی او را که تاکنون به فارسی در دسترس نبوده، منتشر نموده است. نویسنده در نهایت با ارائه صفحه اول و آخر رساله سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه و ترجمه رونوشت بیانیه انجمن علمیه عثمانی، همچنین متن مقاله قرائت شده توسط منیف افندی پیرامون موضوع مزبور در انجمن علمیه عثمانی، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: نسخه‌های خطی تغییر خط، بیانیه انجمن علمیه عثمانیه، تغییر خط اسلام، رساله سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه، آخوندزاده.

به هر تقدیر، با زحمت زیاد به کتاب‌های گوناگون «فهرست کتب خطی» همانند: فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۶ مجلد)، فهرست‌سواره دست‌نوشته‌های ایران (۱۲ مجلد) و ...، نیز چهار کتاب‌شناسی درباره خط فارسی مراجعه نمودم و حداقل با عناوین زیر به جستجو پرداختم:

الفبا، خط، رسم الخط، رسم خط، تغییر خط، معایب خط، خط فارسی، تغییر خط عربی، خط اسلام و ...

همچنین با عناوین اسامی پیشگامان و نویسندگان قدیمی موضوع تغییر خط نیز به کاوش پرداختم؛ مانند: آخوندزاده، ملکم، میرزا رضای ارفع‌الدوله، طالبوف، مستشارالدوله، میرزا رضاخان افشاربکشلو، میرزا لطفعلی تبریزی، میرزا حسین خان، میرزا کاظم خان، ادیب‌الممالک، میرزا علی محمد خان اویسی و ...

در این جستجوی خسته‌کننده، تنها ده عنوان نسخه خطی، درباره تغییر خط فارسی یافتیم که عبارتند از:

۱) الفباء

بی‌نام / بی‌تا]

۱. تهران، نوربخش، ش: ۵۴/۱ / الفبای چند خط در آغاز دفتر یادداشت شده که از نظر الفباشناسی و زبان‌شناسی شایان توجه است. / [بی‌تا] / ۶ صفحه (۷-۱) / [ف: ۱-۷۷]. (۳۱۸۳۴) دست‌نوشته‌های ایران، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲) الفبای بهروز

افشاربکشلو قزوینی، میرزا رضا (زنده در ۱۲۹۹ ق)

۱. مشهد، الهیات، ش: ۵۵۲/۷ / نستعلیق / [بی‌تا] / ۴ برگ / [ف: ۱-۵۰۱]. (۳۱۸۳۸) دست‌نوشته‌های ایران، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲. تهران، ملی، ش: ۱۸۱۳۴ / انتقالی از کتابخانه پهلوی - مجموعه نوازی / [بی‌تا] / [رایانه: ۱۰۸۴]. (۳۱۸۳۹) دست‌نوشته‌های ایران، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳) خط آدمیت

ملکم (۱۲۴۹-۱۳۲۶ ق)

از میرزا ملکم خان که یاد او در «اصول تمدن: ۱۵۴۰» گذشت. در این گفتار که به روش پرسش و پاسخ آغاز می‌شود، پس از مقدمه‌ای، درباره اصلاح خط گفتگو می‌کند. او در «شیخ و وزیر» نیز در همین باره سخن گفته است. آغاز وقتی که انسان به دقت تمام به تحقیق قوام ارکان ملت اسلام ملاحظه می‌نماید بلااختیار.

یافت، و همین، خود باعث نبودن آثار خطی، درباره تغییر خط شد. چون در این دوران، نویسندگان روبرو به چاپ آوردند. همین قاعده، شامل تمامی کتب این دوران است؛ بنابراین کتاب‌های با موضوع تغییر خط نیز از این قاعده مستثنا نیستند، و همین علت، سبب انگشت‌شماری کتب خطی این آثار، شده است.

۳. کم حجم و کوچک بودن کتاب‌ها

کم حجم و جزوه بودن این آثار نیز افزون بر دلایل قبل، می‌تواند دخیل باشد. همان‌طور که می‌دانید رساله‌ها و کتاب‌های کم حجم، معمولاً در لابلای کتاب‌های حجیم و یا در وسایل دیگر، فراموش می‌شوند و یا از بین می‌روند و یا اینکه مردم به دلیل کتاب‌ندانستن آنها، از واگذاری شان به کتابخانه‌ها صرف نظر می‌کنند و گاهی به عنوان یادگاری نزد خود نگه می‌دارند.

۴. فهرست نویسی نشدن کتاب‌ها

همین دلیل سوم، سبب‌سازیک پدیده دیگر است. معمولاً در فهرست نویسی کتاب‌های خطی، بیشتر، توجه به فهرست آثار حجیم است و آثار جزوه‌ای و رساله‌های کم حجم، از غافله فهرست نویسی جا می‌مانند. غالب کتاب‌ها و رساله‌هایی که درباره تغییر خط، تألیف شده‌اند، جزوه‌هایی چندبرگی هستند و میانگین صفحات آنها از چهل برگ بیشتر نمی‌شود؛ بنابراین طبیعی است که با مراجعه به کتاب‌های فهرست نویسی کتب خطی، نمی‌توان آثار بسیاری در این موضوع پیدا نمود.

۵. خارج نشین بودن نویسندگان قدیمی این موضوع

همان‌طور که در مقاله دیگرم درباره «تاریخچه تغییر خط» مفصل بیان کرده‌ام، بحث تغییر خط در سه دوره زمانی مختلف پیگیری شده است که دوره اول آن، می‌توانسته باعث شکل‌گیری کتاب‌های خطی در این موضوع شود، اما نویسندگان این دوره، همه در خارج از ایران زندگی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن است که دسترسی به نوشته‌های خطی آنها، نمی‌تواند به سادگی میسر گردد. گفتنی است تا حد امکان به اکثر فهرست‌های کتاب‌های خطی کشورهای همسایه، مراجعه نمودیم^۱ که هیچ ثمری نیز در پی نداشت.

۱. همانند: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دولتی روسیه (لنین)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی جمهوری چک، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی عشق‌آباد ترکمنستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه انیستیتو شرق‌شناسی ابوریحان تاشکند، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دارالکتب قاهره، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موجود در ولایت بدخشان تاجیکستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه قازان تاتارستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تاجیکستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اوکراین، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه رونقی شهر سبز ابکستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه انیستیتو شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه انیستیتو شرق‌شناسی و آثار خطی تاجیکستان (۴ مجلد)، فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و ...

رک: پیشگفتار چاپ مجموعه آثار ملک، از استاد محیط طباطبایی: مد.

۱. تهران، ملک، ش: ۵۸۳/۲ / محمد ابراهیم منشی آشتیانی / نستعلیق / ذیقعه ۱۲۹۶ / [ف: ۵-۹۰]. [۱۰۹۱۹۱] دست نوشته‌های ایران، ج ۴، ص ۸۸۱.

۲. مجلس ۵۱۵۴/۷: شکسته نستعلیق، ۱۴ شوال ۱۳۰۴ (۷۶ پ، ۸۲ پ). آغاز بر این نمونه (رؤیت) [ج ۳ نسخ فارسی، ص ۱۹۱۰، ش ۱۸۱۳۵].

۴) رسم خط

آخوندزاده، فتحعلی بن محمد تقی (۱۲۶۷-۱۲۹۵ ق)

از آخوندزاده حداقل سه رساله خطی موجود است که در فهرس خطی این گونه فهرست شده است:

۱. تهران، سپهسالار، ش: ۲۷۷۸ / مؤلف / نستعلیق / ۱۲۸۵ / ۲۰ صفحه / [ف: ۲-۲۷]. [۱۳۸۱۸۵] دست نوشته‌های ایران، ج ۵، ص ۸۴۴. نیز: ج ۳ فهرست نسخ فارسی، ش ص ۱۹۰۵.

۲. تهران، سپهسالار، ش: ۲۷۷۹ / مؤلف / [بی تا] / ۷ صفحه / [ف: ۲-۲۷]. [۱۳۸۱۸۶] دست نوشته‌های ایران، ج ۵، ص ۸۴۴. نیز: ج ۳ فهرست نسخ فارسی، ش ص ۱۹۰۵.

۳. تهران، سپهسالار، ش: ۲۷۷۷ / مؤلف / نستعلیق / [بی تا] / ۱۲ صفحه / [ف: ۲-۲۷]. [۱۳۸۱۸۷] دست نوشته‌های ایران، ج ۵، ص ۸۴۴. نیز: ج ۳ فهرست نسخ فارسی شماره: ص ۱۹۰۵.

این سه رساله، با یک عنوان در فهرست‌ها، فهرست نویسی شده است. در صورتی که سه رساله با سه عنوان مجزای می‌باشند.

۱. «معروض نامه آخوندزاده به وزارت علوم در خصوص خط اسلام». این جزوه ۳۹ صفحه اصلی و ۴ صفحه متفرقات انضمامی از غیر مؤلف است، مربوط به سال ۱۲۸۵ هجری قمری، و به زبان فارسی می‌باشد.

۲. «رسم جدید آخوندزاده در خط اسلام». این رساله ۱۷ صفحه اصلی و ۴ صفحه متفرقات انضمامی از غیر مؤلف دارد و بی تاریخ است؛ ولی احتمالاً مربوط به سال ۱۲۷۴ هجری قمری و به زبان فارسی است.

۳. «سواد تقریر مطبوع جمعیت علمیه عثمانیه در خصوص الف بای آخوندزاده». این جزوه ۲۴ صفحه اصلی و ۴ صفحه متفرقات انضمامی دارد و مربوط به سال ۱۲۸۰ هجری قمری است.

در حقیقت این رساله شامل دورساله است: یکی ۱۶ صفحه به زبان ترکی استانبولی که همان سواد تقریر مطبوع جمعیت علمیه عثمانیه است که برای آخوندزاده نوشته شده است و مؤلف آن همان جمعیت

می‌باشد؛ به همراه سخنرانی منیف پاشا، وزیر دولت عثمانی. نیز شامل رساله‌ای ۸ صفحه‌ای به تاریخ ۱۲۷۴ هجری قمری، در «تحقیق پیرامون خط اسلام» به فارسی از آخوندزاده است که ضمیمه رساله قبلی شده است.

۴. قاهره، دارالکتب ۸۲ زکیه: نستعلیق، همراه با مقاله سعوی افندی و ترجمه فارسی آن. آغاز: سواد قرطیقا در مقابل عقیده سعوی افندی بخدمت نواب... اعتضاد السلطنه وزیر علوم [ف. مخطوطات ۲: ۴۱]. [۱۸۰۹۱ - ج ۳ نسخ فارسی، ص ۱۹۰۵].

۵) رسم الخط جدید

ملک (۱۲۴۹-۱۳۲۶ ق)

۱. تهران، دانشگاه، ش: ۶۵۴۸، عکس / [بی تا] / [فیلم هاف: ۳-۲۵۸]. [۱۳۸۱۹۲] دست نوشته‌های ایران، ج ۵، ص ۸۴۵.

۶) رشدیه در خصوص اصلاح الفبای اسلامی

دانش تبریزی، میرزا رضا خان؛ ارفع الدوله (۱۲۷۰-۱۳۵۷ ق)

۱. (تهران، حقوق، ش: ۹۹/۴، ج) نستعلیق / قرن ۱۳ [ف: ۱۲۱]. [۱۳۸۳۷۰] دست نوشته‌های ایران، ج ۵، ص ۸۵۳ و ج ۳ فهرست نسخ فارسی شماره: ص ۱۹۱۳.

۷) شیخ و وزیر

ملک (۱۲۴۹-۱۳۲۶ ق)

۱. تهران، ملک، ش: ۱۵۳۹/۳ / در فهرست بدون نام مؤلف است / نسخ / صفر ۱۲۱۳ / [ف: ۵-۲۸۶]. [۱۷۹۸۲۶] دست نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۲. تهران، سپهسالار، ش: ۲۷۹۱ / تقی عبقری / نستعلیق / ۱۲۸۷ / ۱۲ صفحه / [ف: ۲-۶۸] [۱۷۹۸۲۷] دست نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۳. تهران، ملک، ش: ۵۸۳/۱ / محمد ابراهیم منشی آشتیانی / نستعلیق / ذیقعه ۱۲۹۶ / [ف: ۵-۹۰] [۱۷۹۸۲۸] دست نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۴. تهران، مجلس، ش: ۴۲۹۱ / محمد اسماعیل آشتیانی / شکسته نستعلیق / ۲۶ صفر ۱۲۹۶ / ۴۷ برگ / [ف: ۱۱-۳۰۳] [۱۷۹۸۲۹] دست نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۵. تهران، ملی، ش: ۱۴۹/۲ / ابوتراب طباطبائی / نستعلیق شکسته خوش / ۱۳۰۱ / ۴۲ صفحه (۲۴-۶۶) / [ف: ۱-۱۴۵] [۱۷۹۸۳۰] دست نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

همان طور که اشاره شد، یکی از رسالات آخوندزاده که درباره تغییر خط است، شامل دورساله است که به هم ضمیمه شده‌اند. یکی حدود هشت صفحه فارسی است، و دیگری شانزده صفحه و به زبان ترکی استانبولی است. مقاله اخیر از نظر قدمت و موضوع، بسیار حائز اهمیت است. اکنون مناسب است این رساله خطی را که تا کنون به فارسی در دسترس نبوده، در این جا منتشر نماییم؛ اما پیشاپیش شرح حال آخوندزاده را که توسط خودش نگارش شده می‌خوانیم تا توجه به رونوشت جمعیت علمیه عثمانیه دقیق تر گردد.

بیوگرافی آخوندزاده^۲

پدر من میرزا محمد تقی بن حاجی احمد که اجدادش از طوایف فرس است،^۳ در اوایل جوانی کدخدای قصبه خامنه بود من اعمال تبریز. بعد از معزولی در سنه ۱۸۱۱ مسیحیه بعزم تجارت بولایت شکی آمده در شهر نخود دختر برادر آخوند حاجی علی اصغر را به حباله نکاح در آورده است. از این منکوحه او در سنه مسیحیه ۱۸۱۲ به وجود آمده‌ام. بعد از دو سال از این تاریخ حاکم ولایت شکی جعفرقلی خان خویی وفات کرده است. به همین سبب غربای ایرانی که در تحت حمایت جعفرقلی خان در آن ولایت زندگانی می‌کردند، قصد معاونت به وطن نموده‌اند. پدر من نیز در سلک ایشان با زنش و فرزندش عازم قصبه خامنه شده است.

بعد از چهار سال مادر من با زن دیگر پدرم که خامنه‌ای بوده است، به راه نرفته از شوهرش خواهش کرد که او را به اتفاق من به نزد عمویش آخوند حاجی علی اصغر که در محال مشکین اردبیل در مصاحبت حاکم سابق شکی سلیم خان زندگانی می‌کرد، روانه کند. پدرم خواهش مادرم را قبول کرده، او را با من به نزد عمویش فرستاده است. من از این تاریخ از پدرم جدا شده، دیگر او را ندیده‌ام و در نزد عموی مادرم بوده‌ام در قریه هوراند از دهات قرا داغ. بعد از یک سال آخوند حاجی علی اصغر به تعلیم و تربیت من شروع کرده است.^۴ اول قرآن را

۶. تهران، مجلس، ش: ۸/۵۱۵۴ / شکسته نستعلیق / ۱ ذی‌عده ۱۳۰۴ / ۱۷ برگ (۸۴ پ، ۱۰۱ پ) / [ف: ۱۵-۲۲۶] [۱۷۹۸۳۱] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۷. تهران، ملک، ش: ۲/۲۴۵۵ / نستعلیق / ۱۳۲۳ / [ف: ۱۹-۶] (۱۷۹۸۳۲) دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۸. تبریز، ملی، ش: ۵/۲۶۴۳ / نستعلیق / [بی‌تا] / ۳۲ برگ / [ف: ۱۱۹۱-۳] [۱۷۹۸۳۳] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۹. آستیان، حوزه علمیه، ش: ۵/۱۳ / بخش یکم / مرتضی ابن مرحوم میرزا صادق / نستعلیق / [بی‌تا] / [ف: ۴۲] [۱۷۹۸۳۴] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۲۷۸.

۸) مبدأ ترقی

ملکم (۱۲۴۹-۱۳۲۶ ق)

۱. تهران، ملک، ش: ۱/۲۴۵۵ / نستعلیق / ۱۳۲۳ / [ف: ۱۹-۶] (۲۳۹۹۴۵) دست‌نوشته‌های ایران، ج ۸، ص ۱۱۹۸.

۹) متن و یادداشت‌های گاتها

پورداود، ابراهیم (۱۲۶۴-۱۳۴۷ ش)

۱. (تهران، ملی، ش: ۳/۱۹۲۰۳) / ابراهیم پورداود / [بی‌تا] / ۵۸ برگ / [رایانه: ۲۰۴۷] [۲۴۱۱۱۰] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۸، ص ۱۲۶۴.

۱۰) مسالک المحسنین

طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب (۱۲۵۰-۱۳۲۹ ق)

۱. (تهران، دانشگاه ش: ۴۵۸۱-ف) / نستعلیق / پایان ذیحجه ۱۳۲۰ / ۲۸۹ صفحه / [فیلم‌ها ف: ۳-۷۴] [۲۵۴۱۰۳] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۹، ص ۵۳۴.

۲. (تهران، ملی، ش: ۲۹۵۲) / نسخ و نستعلیق / ۱۳۲۵ / ۱۳ برگ / [ف: ۷۰۱-۶] [۲۵۴۱۰۴] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۹، ص ۵۳۴.

۳. (مشهد، گوهرشاد، ش: ۵۷۲) / محمد حسین خوانساری / نسخ / دهه آخر شعبان ۱۳۴۲ / ۱۳۲ برگ / [ف: ۲-۶۸۰] [۲۵۴۱۰۵] دست‌نوشته‌های ایران، ج ۹، ص ۵۳۴.

۲. این اتوبیوگرافی از صفحات ۳۴۹ - ۳۵۵ کتاب «القبای جدید و مکتوبات» است.

۳. من اگرچه علی‌الظاهر ترکم، اما نژادم از پارسیان است. جدم حاجی احمد از رشت آمده در آذربایجان توطن اختیار کرده است. پدرم میرزا محمد تقی و من خودم در آذربایجان تولد و پرورش یافته‌ام (نقل از صفحه ۲۴۹ «القبای جدید و مکتوبات».)

۴. پدر مرحوم من میرزا محمد تقی مرا در هشت سالگی به مکتب گذاشت. یک سال متصل به مکتب رفتم، الفبا را خواندم، شروع کردم به خواندن بعضی سوره‌ها از جزو آخر قرآن مجید. اما یک حرف را نمی‌شناختم و هر چه در روز اول به واسطه حدت ذهنی حفظ می‌کردم فرداش فراموش می‌شد. (بعد از یک سال به شهر تبریز رحلت کردم. در آنجا نیز یک سال به مکتب رفتم باز حالت بدین قرار بود.) عاقبت به رتبه‌ای از خواندن نفرت به هم رسانیدم که به هر قسم شغل شاق راضی می‌بودم، به شرطی که از خواندن خلاص شوم؛ لهذا از مکتب گریختم و یک سال آزاد گردیدم. مادرم با مرا بخواندن مجبور کرد. اما نفرت من از حد زیاد بود. سه روز متصل می‌گریختم و در اطراف (اوبه) پنهان می‌شدم. عاقبت مرا گرفتند. شروع کردند به تعلیم. چون آخوند ملاعلی اصغر شخص فاضل و عاقل بود، مرا زیاد نرنجانید. با کمال حلم و رأفت حروف را به من نشان داد و سیاق هجه را آموخت؛ به طوری که در اندک مدت بخواندن هر سوره قرآن قادر شدم و... نفرت خواندن بالکلیه از من زایل شد... (از صفحه ۳ و ۴ کتاب القبای جدید و مکتوبات. باکو، ۱۹۶۳. به نقل از رساله «القبای جدید».)

می‌گرفتم تا اینکه رفته‌رفته میان من و این شخص محترم الفت و خصوصیت پیدا شد. روزی این شخص محترم از من پرسید: میرزا فتحعلی! از تحصیل علوم چه منظوری؟ جواب دادم که می‌خواهم روحانی بشوم. گفت [...] شغل دیگری پیش گیر، و عاقبت تا مراجعت پدرتانویم از حج، میرزا شفیع جمیع مطالب عرفانیت را به من تلقین کرد. بعد از این دو قضیه نیت خود را تغییر دادم و بعد از مراجعت پدرتانویم از حج، به نحو برگشتم و باز چندی بخواندن بعض کتب عربیه از آن جمله به خواندن کتاب «خلاصة الحساب» شیخ بهائی مشغول شدم. در این اثنا در شهر نخومکتب روسی گشاده شد. به تجویز پدرتانویم به خواندن زبان روسی میل کردم. یک سال در این مکتب زبان روسی را یاد می‌گرفتم. چون بزرگ شده بودم، زیاده از یک سال نتوانستم که در اینجا مشغول تعلم بشوم. بعد از یک سال در تاریخ ۱۸۳۴ پدرتانویم مرا برداشته، به تفلیس آورد و به سردار روس بارون روزین عریضه داد و توقع کرد که مرا در دفترخانه خود به خدمت مترجمی السنه شرقیه بر دارد و یک نفر از محرران روسی را نیز به تعلیم من مقرر فرماید تا که در زبان روسی دانش من قوت گرفته باشد. نمی‌دانم که به چه زبان از این سردار شکرگزاری بکنم. این امیر فرشته خصال ملتمس پدرتانویم را فوراً قبول کرده، التفات‌ها در حق من ظاهر فرمود که از وصف آنها عاجزم و از آن تاریخ تا امروز من در حضور سرداران قفقاسیه در منصب مترجم السنه شرقیه مقیم و از هر یک ایشان انواع التفات‌ها و مرحمت‌ها دیده‌ام و فی الجمله اوضاع دارم و صاحب نشان کولونیلی شده‌ام. خاصه از جنرال فیلدمارشل قتیازوارانصوف مرحوم شاکرم که بعد از بارون روزین ولی النعمه ثانوی من بود و به واسطه التفات این امیر کارداران و حکیم درمن قابلیت تصنیف بروز کرد. شش قامیدیا، یعنی تمثیل در زبان ترکی آذربایجانی تألیف کردم و معروضش داشتم. مورد تحسین زیاد و مشمول انعامات وافر آمدم. تمثیلاتم در تیاتر تفلیس که احداث کرده این امیر فیاض است، درآوردند. از حضار مجلس تیاتر آفرین‌ها و تعریف‌ها شنیدم.

بعد از آن حکایت یوسف شاه را باز در زبان ترکی تصنیف کردم. این هفت تصنیف به زبان روسی ترجمه شده به چاپ رسیده است و در خصوص آنها تعریف‌نامه‌ها در ژورنال‌های پتربورگ و برلین به قلم آمده است.

در سنه ۱۸۵۷ مسیحیه از برای تغییر الفبای اسلام در زبان فارسی کتابچه‌ای تألیف کردم و دلایل و جوب تغییر آن را در این کتابچه باین نمودم. در سنه ۱۸۶۳ از امپراتور زاده افخم جانشین قفقاس غراندوف میخائیل اجازت حاصل کرده، برای اعلان این خیال عازم اسلامبول شدم. جمیع مخارج سفر را حضرت غراندوف از خزینه مرحمت فرمود و وزیرش غروزی‌نشترن بایلچی روس در اسلامبول کاغذ نوشت که در باب انجام مطالب من در نزد اولیای دولت عثمانیه لازمه تقویت معمول دارد.

به من یاد داده، بعد از اتمام قرآن آهسته‌آهسته از کتب فارسیه و عربیه به من درس گفته است.

این آخوند حاجی علی اصغر فاضلی بود ممتاز و از جمیع علوم اسلامی، خواه فارسیه، خواه عربیه، اطلاع کامل داشت و مرا به فرزندی قبول کرده، من بین الناس به حاجی علی اصغر اوغلی مشهور شده‌ام.

آخوند حاجی علی اصغر بعد از دو سال از قریه هوراند به میان ایل انکوت قراداغ ارتحال کرده، در ایوبه ولی بکلوساکن شد. در آن اوقات مصطفی خان شروانی نیز نزدیک قشلاقات ایل انکوت در محل موسوم به شکرلوسکن داشت.

از این خان حمیده خصال پدرتانویم من، حمایت‌ها دیده است و نیکویی‌های زاید الوصفی مشاهده کرده است که از تقریر بیرون است. در این اثنا که تاریخ مسیحیه ۱۸۲۵ بود، برادر بزرگ آخوند حاجی علی اصغر، محمد حسین نام، از ولایت شکی به محال انکوت آمده، او را با من و مادرم به وطن مألوف درآورد. آخوند علی اصغر در سال اول به شهر گنجه وارد شده، در اینجا مکث کرده، اتفاقاً در سال آینده محاربه دولت ایران با دولت روسیه واقع شده.

مصایبی که در این محاربه به آخوند حاجی و عیالش روداده است و بلیاتی که ایشان دوچار آنها شده‌اند و از جمیع اموال و اجناس خودشان که در قلعه گنجه به تاراج رفته است، محروم مانده، مفلس گشته‌اند، گنجایش تحریر ندارد. القصه، بعد از شکست لشکر ایران آخوند حاجی علی اصغر با عیال خود به شهر نخو آمده، آرام گرفت و در اینجا در تربیت من کمال اهتمام مصروف داشت و زبان فارسی و عربی را به من خوب یاد داده، حتی مرا به تکلم زبان عربی مثل طلاب لرگیه داغستان معتاد کرد.

در اول سال ۱۸۳۲ آخوند حاجی علی اصغر را سفر حج پیش آمد و مرا آورده در گنجه در نزد آخوند ملا حسین بخواندن کتب منطقیه و فقهیه گذاشته، خودش عازم مکه شد.

تا این تاریخ من به غیر از خواندن زبان فارسی و عربی چیزی نمی‌دانستم و از دنیا بی‌خبر بودم و مراد پدرتانویم این بود که من تحصیل علوم عربیه را تمام کرده، در سلک روحانیون تعیش بکنم؛ اما قضیه دیگر رو داده باعث فسخ این نیت شد. تفصیل آن این است:

در یکی از حجرات مسجد گنجه از اهل این ولایت شخصی مقیم بود میرزا شفیع نام که علاوه بر انواع و اقسام دانش خط نستعلیق را خیلی خوب می‌نوشت. این میرزا شفیع همان است که در مملکت غرمانیا سرگذشت و فضل او را در اشعار فارسیه به قلم آورده‌اند. من به فرمایش پدرتانویم خودم هر روز پیش این شخص رفته، مشق خط نستعلیق

ملتفت نشدند^۶ و این خیال الان در میان پروغریسیان و قونسورواتوران^۷ اسلامبول مسئله گفتگو و مایه مباحثه است.

دیگر در باب مسئله الفبا با اجازت بزرگان دولت خودم به صدراعظم عثمانی عالی پاشا کتابچه دیگر از تفلیس فرستادم به انضمام کریکا به خیالات و تصورات یک نفر از دانشمندان عثمانی سعاوی افندی نام که در خصوص عدم تغییر الفبای سابق اسلام به قلم آورده بود. این کتابچه نیز بی‌ثمر ماند.

در خصوص خیال الفبا منظومه‌ای در زبان فارسی گفته، گزارش را در آن منظومه بیان نموده‌ام. بعد از این ماجرا به تاریخ رضا قلی خان هدایت تخلص - که ملحقات روضه الصفار تصنیف کرده است - کریکای مختصر نوشته به طهران فرستادم و بعد از یک سال به یک قصیده شاعر طهرانی سرورش تخلص ملقب به شمس الشعرا کریکا نوشته به آشنایان خودم در طهران ارسال داشتم [...].

الان سال عمرم از شصت گذشته است. از مرحمت دولت روسیه در خدمت مقرره مقیم و از حمایتش بهره‌مندم. یک نفر سپردارم، یک نفر دختر. دخترم را شوهر داده‌ام. پسرم بیست ساله است و مراتب علم را در غمنازیه تفلیس تمام کرده، زبان روسی و فرنگی را بسیار خوب می‌داند و به زبان فارسی و عربی نیز آشناست و در سنه ۱۸۷۴ در اول ایون برای تکمیل علوم باونی ویرسیست^۸ بلجیک رفته، در آنجا به تحصیل علم مهندسی مشغول است.

به واسطه تصنیف کمال الدوله دوستان و همرازان زیاد پیدا کردم. از آن جمله میرزا یوسف خان است که در آن اوقات در تفلیس از طرف دولت ایران قونسول بود و بعد از آن به وزیر مختاری دولت ایران در پاریس منصوب گردید. دیگر شاهزاده جوان مرگ جلال الدین میرزا ابن فتحعلی شاه قاجار بود که با من بنای دوستی و مکاتبت گذاشت و مرا الی غیر النهایه گرامی می‌داشت. افسوس که اجل امان نداد که دوستی من با این شاهزاده فاضل و مستجمع اوصاف حمیده و اخلاق جمیله چندی امتداد یابد. شاهزاده و الانژاد در سنه ۱۸۷۰ در عین جوانی جهان فانی را بدرود کرد. دیگر آقا علی اکبر نام تبریزی مشهور به بابایوف بود که بعد از رفتن فرزندم به او نیویرسیست بلجیک متصل هم جلیس من شده در مفارقت فرزندم مرا تسلیه بخش می‌گردید. از این آقا علی اکبر نام که آدم فهیم و باشعور و از عرفانیت بالکلیه خبردار و در مصاحبت خلیق و خوش رفتار و خوش گفتار است، رضامندی‌ها دارم که به توصیف نمی‌گنجد و به نوعی نسبت به او انسیت پیدا کرده‌ام که اگر یک روزش نبینم در خاطر خود ملال و افسردگی مشاهده

کتابچه تغییر الفبا را به معرفی در اغانان ایلچی روس به صدراعظم عثمانی فواد پاشا پیشنهاد کردم و تمثیلات ترکیه و حکایت یوسف شاه را نیز نشان دادم. کتابچه را در جمعیت علمیه عثمانیه به امر صدراعظم ملاحظه کردند و در هر خصوص مقبولش یافتند و تحسین نمودند ولیکن تجویز اجرایش را ندادند.

به علت اینکه باز برای عمل چاپ در این کتابچه الفبا به واسطه اتصال حروف در ترکیب کلمات صعوبت مشاهده می‌شد. گفتم که در این صورت باید تغییر کلی کلمات به الفبای سابق اسلام داده شود؛ یعنی حروف الفبای اسلام نیز مانند حروف خطوط یوروپائیان باید مقطعه باشند و خط از طرف دست چپ به طرف دست راست نوشته شود و نقطه‌ها بالکلیه ساقط گردند و اشکال حروف از الفباء لاطینی منتخب گردد و حروف مصوته کلاً در پهلوی حروف صامته مرقوم شوند، خلاصه الفبای سیلابی مبدل به الفبای آلفابتی شود. در قبول این رأی نیز علما و وزاری اسلامبول موافقت نکردند و عداوت وزیر مختار ایران مقیم اسلامبول میرزا حسین خان^۵ نیز نسبت به من مقوی عدم موافقت عثمانیان شد.

خلاصه بی‌نیل مرام از اسلامبول برگشتم، ولیکن در دولت عثمانیه اگرچه خیالم در خصوص تغییر الفبای سابق اسلامبول مقبول نیفتاد، اما به خودم نشان مجیدیه با فرمان تحسین در خصوص تغییر الفبا انعام کردند.

از میرزا حسین خان در اسلامبول مرارت‌ها چشیدم که ذکر همه آنها باعث صدع است. مشارالیه سابقاً در تفلیس قونسول دولت خود بود و با من در باطن عداوت شدید داشته است؛ لیکن من از عداوت او غافل بوده و او را دوست خود پنداشته، در خانه او منزل کردم. عاقبت عداوتش بروز کرد و در پیش جمیع وزرای عثمانیه مرا بد خواه دین و دولت اسلام نشان داد. از قراری که معلوم شد سبب عداوتش این بود که من در تمثیلات ترکیه اخلاق و اطوار ذمیمه ایرانیان را هجو کرده‌ام؛ چنانکه شرط فن دراماست. چون مشارالیه فن درامارا و شروط آن را نمی‌فهمد و از علوم دنیا بالکلیه بی‌بهره است و به غیر از حیل‌گیری و تزویر و بخل و حسد و حرص و طمع قابلیت دیگر ندارد؛ لهذا چنان قیاس می‌کند که این حرکت از بغض من نسبت به ایرانیان ناشی شده است. بعد از بروز عداوتش از منزلش بیرون آمدم و در جای دیگر منزل کردم. بعد از معاودت خود به تفلیس در خصوص خیال الفبا کتابچه دیگر به طهران فرستادم. در این کتابچه اشکال حروف را مقطعه قرار داده بودم، ولیکن باز از ترس علما رسم خط را به سیاق سابق از طرف دست راست به طرف چپ نشان داده بودم. در طهران نیز به این خیال

۶. توجه نکردند.

۷. پروگریست‌ها و کنسرواتورها، یعنی ترقی طلبان و محافظه‌کاران.

۸. اونیورسیته.

۵. مشیرالدوله که بعدها صدراعظم ایران شد.

می‌کنم و علاوه بر این سه نفر، باز دوستان و همرازان بسیار داشتم که نامیدن هر یک فرداً باعث تطویل است.

سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه^۹

این رونوشت همراه یک نامه و یک رساله از رسم الخط آخوندزاده در تاریخ ۱۲۴۷ ش نزد وزیر علوم ناصرالدین شاه، اعتضاد السلطنه، فرستاد.^{۱۰}

پاسخ اولیای دولت ایران به آخوندزاده چنین بود:

«اللیق وانسب آن است که میرزا فتحعلی آخوندزاده در باب تغییر الفبای اسلام خیالات خود را به اولیای دولت عثمانیه معروض دارد؛ چون که در ابتدا ملاحظه این خیال در آن سلطنت شده است. ما ملت ایران اصلاً به تغییر الفبای خودمان محتاج نیستیم؛ به علت اینکه ما سه رقم خط داریم: نستعلیق، شکسته و نسخ که در حسن و رعنائی بالاتر از خطوط جمع ملل روی زمین است و ما هرگز این خطوط خودمان را متروک و خط جدید میرزا فتحعلی آخوندزاده و یا ملکم خان را معمول نمی‌کنیم و نخواهیم کرد».

این رونوشت به خط فتحعلی آخوندزاده است و درامای این رونوشت، یک غلط املایی نیز وجود دارد که جایی از متن، «مومی» الیه، را «مؤلف» املاء کرده که احتمالاً یا سهوی بوده و یا ناشی از تفاوتی بوده که ترکی استانبولی با ترکی قفقاز داشته است. روی جلد رساله نوشته است:

نورۃ ۳۰

سواد تقریر مطبوع جمعیت علمیه عثمانیه در خصوص الفبا، سابقین میرزا فتحعلی آخوندزاده و سواد فرمان علی حضرت پادشاه عثمانیه که بواسطه این مطلب بمؤلف مذکور داده شده است و سواد شریک در باب جواز شریعی به تغییر خط قدیم اسلام از طرف مؤلف جمعیت علمیه عثمانیه معروض گشته و در اینجا بلاخط فضیلت این سبب و امکان بوجود دلایل نیز که در آن شرح مرقوم است تغییر خط قدیم اسلام را مخالف شیخ انور نیانیا نموده اند

۹. این جمعیت به تقاضای خلیل بیگ، سفیر عثمانی در سن پترزبورگ و به فرمان سلطان، در ذیقعد ۱۲۷۷ تأسیس شد. بزرگ‌ترین دستاورد جمعیت را انتشار مجموعه فنون دانسته‌اند. مجموعه فنون را نخستین مجله علمی به زبان ترکی دانسته‌اند که در آن مقالاتی در زمینه علوم طبیعی و اجتماعی و فنون منتشر می‌شد و به خوانندگان تصویری روشن از دستاوردهای علمی غرب ارائه می‌داد. منیف افندی، بنیانگذار این جمعیت، شیعه مذهب و علاقه مند به فرهنگ و ادب فارسی بود و در جمعیت نقش رهبر را داشت و بیشتر بر جذب متفکران غربگرا و ترویج علوم طبیعی تأکید می‌کرد.

۱۰. این رساله و دو رساله دیگر، توسط اعتضادالدوله بعدها به کتابخانه سپهسالارها شد. به تصویر اصل نامه آخوندزاده در دانش نامه خط فارسی، کاظم استادی مراجعه کنید.

صفحه اول از رساله سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه
متن ترجمه: «

رونوشت بیانیۀ انجمن علمی عثمانی

سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه

وقاس قائمقامی فخراندرق بمیشل خزانیک السنه
اسلامیه ترجمانینی خدمنده بولان آخوندزاده تحلی بودنده
در رساله کلامک بن الاسلام متداول اولان اصول خطک
در کار اولان مشکلاتک و فی غرضید تصور البدیک بر رسم جدید
جانب سلطنت سنیته به عرض و تقدیم ایش و رسم مذکور لکن
صورت مطالعه و انکار مرکز بیان و افادہ سن مستنده کیفیت جمعیت
ماجرانه مزه حواله پورلش اولفظه اولبا بده مذاکرات لازماتک



اجرا سیدله تجر زار با تقریر حضور معارف نشر حضرت صدر پناهی
عرض و انما قلمش
اصول ما ضرورت مشکلات عدیده سنی اصلاح احتیاجی
برآز و قد نبرو بو طر فزوده حسن اولند یعنی مالده شوا انکار کت

فتحعلی آخوندزاده که در خدمت مرکز ترجمه زبان‌های اسلامی جناب میشل خزاندرق، قائم مقام بلند پایه «وقاس» می‌باشد، این بار به درگاه همایونی آمده، به منظور حل مشکلات رسم الخط متداول در میان امت اسلامی، رسم الخط جدید خود را به حضرت سلطنت سنیته معروض و تقدیم نموده، این رسم الخط نامبرده برای مطالعه و بررسی و اظهار نظر، به انجمن ما حواله شده، مذاکرات لازم انجام شد، نتیجه مذاکرات به محضر فرهنگ پرور حضرت صدارت پناهی عرضه شد. نیاز مبرمی که به اصلاح مشکلات عدیده رسم الخط موجود احساس می‌شد، با این ادعا که از [ص ۱] داغستان این تفکر پیدا شده، چندین برابر شد. تغییر دادن رسم الخط رایج در میان مسلمانان که از سالیان متمادی متداول بوده، کار آسانی نیست. این کار موجب متروک شدن همه کتاب‌های موجود اسلامی خواهد شد، و لذا به دنبال این تصمیم‌گیری، معذورات بزرگی پدید خواهد آمد و از پیشرفت آن جلوگیری خواهد شد. نتیجه مطالعات انجمن ما در

۱۱. این متن توسط استاد علی اکبر مهدی پور، به درخواست اینجانب، از ترکی استانبولی، به فارسی ترجمه شده است.

برخی از اعضا در مورد اولین موضوع که آیا اصلاحات لازم است یا نه؟ تردید داشتند و ضرورت چنین اصلاحاتی را قبول نداشتند و معتقد بودند این اصلاحات و تعدیلات موجب اخلاص در قواعد اساسی زبان عربی خواهد بود.

آنها می‌گفتند: دولت‌هایی که در بغداد و اندلس تشکیل یافتند، با همین رسم الخط موجود، علوم و معارف را فرا گرفتند و با همین حروف بر همه ملل جهان تفوق یافتند.

ولذا این ادعا که رسم الخط قدیم مانع ترقی و پیشرفت می‌باشد، کاملاً بی‌اساس و بی‌پایه است.

ولی اکثر اعضا این نظر را رد کردند و گفتند: دانش آموزان ابتدایی ما چندین سال به مکتب می‌روند، از خواندن صحیح کتاب‌های ساده و روان ناتوان هستند؛ در حالی که در اروپا با آموزش رسم الخط جدید با متد صحیح در چندین ماه آن را به بهترین وجهی فرا می‌گیرند.

اگر تحصیل کرده‌های ما بتوانند متنی را با قرینه سیاق و سباق صحیح بخوانند، باز هم این کار خالی از زحمت و مشقت نمی‌باشد. [ص ۵] با توجه به وجود اسامی نامأنوس در نام‌های کسان و اماکن، بدون راهنمایی تلفظ صحیح آنها، لزوم اصلاح و تعدیل در رسم الخط فعلی را بدیهی می‌نماید؛ تا جایی که نیازی به بررسی و مطالعه آن در جلسات انجمن ما در کار نیست. این موضوع در اوایل تشکیل این انجمن با اتفاق آراء پذیرفته شده، مقاله‌ای در همین رابطه توسط منیف افندی در تاریخ ۱۳ ذی‌قعدة ۷۸ (۱۲۷۸ ق) قرائت شده است. از این رهگذر از موضوع نخست صرف نظر نموده، به موضوع دوم منتقل شدیم که:

آیا رسم الخط ارائه شده از سوی آخوندزاده برای رسیدن به مقصود کافی است یا نه؟

رسم الخط ارائه شده با دقت کامل بررسی شد. سهولت تحریر آن، با حذف نقطه‌های حروف قدیمی و وضع علامت‌های متصله و اختراع برخی از حرکات جدید برای تلفظ صحیح کلمات و قراردادن آنها در ضمن حروف مکتوب طبق روال ملل بیگانه [ص ۶] و کافی بودن برای قرائت صحیح همه کلمات، با تعدیلات پدیدآورنده (آخوندزاده) در برخی از حروف قدیمی، و اختراع اشکال جدید به صورت مقبول، شایان تحسین و تقدیر شناخته شد.

همان‌گونه که در نزد ارباب فضیلت معلوم است، رسم قدیم چاپ مشکلات فراوان داشت و آن یکی از علل طرح لزوم تعدیل در رسم الخط بود.

با توجه به مشکلات فن چاپ نیز این اصلاحات ضروری به نظر می‌رسد.

بیانیه‌ای به حضرت اشرف و کالت پناهی تقدیم گردیده و در مقاله‌ای که قبلاً در انجمن قرائت شده، به تفصیل بیان گردیده است. در اینجا به نقل و رونوشت آن در زیر بسنده می‌شود:

رونوشت بیانیه انجمن علمی عثمانی که در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۸۰ به محضر حضرت و کالت پناهی تقدیم شده است.

از سوی سرهنگ فتحعلی آخوندزاده به محضر فرهنگ پرور حضرت [ص ۲] صدارت پناهی تقدیم گردیده، که به انجمن ما حواله گشته، پیرامون لزوم و محسنات رسم الخط جدید مطالعه شده، در حضور میرزا فتحعلی نامبرده، در مرکز انجمن جلسه انجمن تشکیل شده، رسم الخط یاد شده بررسی گردیده، توضیحات لازم از پدیدآورنده اش مطالبه شده، رسم الخط موجود در میان امت اسلامی، هرگز به افاده مرام مساعد نیست و به قرائت منظور از آن لفظ وافی نمی‌باشد؛ زیرا هر کلمه اش به چندین صورت قرائت قابلیت دارد.

این وضع همواره موجب بروز اشکال برای اهل مطالعه، به ویژه کمبود افراد آشنا با خواندن و نوشتن در ممالک اسلامی است.

رسم الخط جدید این محذورها را برمی‌دارد.

پذیرش این رسم الخط اساس کتابت را آسان می‌سازد و موجب نشر معارف در میان همگان خواهد شد. نظر ما این است که این اصلاح تأثیر مهمی در نشر معارف خواهد داشت و هیچ ربطی به موردینیه نخواهد داشت؛ [ص ۳] زیرا رسم الخط در دوران اسلامی چندین بار دگرگون شده است و لذا پذیرش رسم الخط جدید هیچ محذور شرعی ندارد، بلکه فواید و محسنات فراوان دارد.

البته تحصیل رضایت عمومی به هنگام اصلاح و تغییر بسیار مشکل خواهد بود؛ چنان‌که خودش به آن اعتراف دارد. ولی در آینده با انتشار این رسم الخط فواید مترتب بر آن مشاهده خواهد شد.

فعلاً فقط اجازه داده شود که این رسم الخط به عنوان یکی از خطوط اسلامی مطرح شود و به این افتخار مفتخر گردد. در آن جلسه و در نشست هفته بعد که در غیاب پدیدآورنده برگزار شد، این موضوع از سه جهت مورد بررسی قرار گرفت:

(۱) آیا رسم الخط فعلی نیاز به اصلاح و اکمال دارد؟

(۲) در صورت پذیرش رسم الخط جدید، آیا این پدیده برای رسیدن به همه اهداف مورد نظر کافی می‌باشد؟

(۳) آیا انجام این اصلاحات و تعمیم آن امکان پذیر است؟

این مسائل به ترتیب جدا جدا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. [ص ۴]

با توجه به اینکه در رسم الخط موجود علامت‌گذاری (اعراب) مرسوم نشده، هر واژه‌ای به چندین شکل قابلیت قرائت دارد. برای رفع این مشکل اگر اعراب مرسوم در عربی، در فارسی نیز معمول شود، باز هم مقصود حاصل نخواهد شد.

اگر ارباب فضیلت هرمتنی را در دست می‌گیرند، با کمال سرعت و سهولت آن را می‌خوانند، حصول چنین ملکه‌ای از کثرت ممارست به دست آمده است. [ص ۱۰] تازه آن هم در مورد واژگانی است که با مفاهیم آنها انس والفت موجود است؛ اما در مورد مطالبی که مفاد آنها مجهول باشد یا در مورد اسامی نامأنوس، تلفظ صحیح آنها غیرممکن می‌باشد.

مثلاً واژه «أون» که یک واژه ترکی است و فقط از سه حرف تشکیل یافته، به شش صورت قابل تلفظ می‌باشد. البته در این موارد با قرینه سیاق و سباق ممکن است معنای مورد نظر معلوم شود، ولی اعلام و اسامی نامأنوس - که قرینه‌ای در کار نباشد - هرگز تلفظ صحیح آنها از روی نوشته معلوم نخواهد بود.

با توجه به اینکه در رسم الخط موجود، کتابت اعلام که اسامی خاص می‌باشند، با دیگر واژگان از نظر شیوه نگارش فرقی نمی‌باشد، لذا در قرائت صحیح آنها برابراب مطالعه مشکلاتی وجود دارد که بر کسی پوشیده نیست. مشکلات موجود در فراگرفتن قرائت و کتابت به اینها منحصر نیست. شیوه‌ای که از یکی دوسده پیش [ص ۱۱] اتخاذ شده، واژه‌ها با شیوه ترکیبی فارسی و عربی مختلط شده، تحصیل کتابت در حد افاده مرام بی‌نهایت دشوار شده است.

پیروز آمدن بر این دشواری‌ها زمان طولانی می‌طلبد. مقدار عمری که برای فراگرفتن آن مناسب است، کفایت نمی‌کند. از این رهگذر بیشتر اهالی ممالک محروسه، از حد اقل خواندن و نوشتن، به عنوان یک ضرورت زندگی و وسیله رسیدن به کمالات لازمه محروم می‌باشند.

اگرچه کمبود وسایل تسهیل در این باب مؤثر می‌باشد، ولی بدون تردید کمبود افراد آشنا با خواندن و نوشتن عامل اصلی می‌باشد.

به جهت نبود این مشکل در رسم الخط اروپائیان اصول آموزش تا حد ممکن تسهیل شده، یک کودک هفت ساله به خوبی خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد. زن و مرد، خرد و کلان، حتی کارگر و کشاورز، خواندن و نوشتن را در حد افاده مرام فرا می‌گیرد. [ص ۱۲] در مقابل مشکلات رسم الخط ما، برای تربیت عمومی مشکل جدی ایجاد نموده است؛ زیرا صنعت چاپ که قوی‌ترین وسیله نشر معارف است، به سان دیگر ملت‌ها در دسترس نمی‌باشد.

ملل اروپایی فقط به تعداد حروف تهجی ۳۰ - ۴۰ رقم حرف دارند که همه خواسته‌های خود را به وسیله آنها می‌نویسند و به چاپ می‌رسانند؛

اما در مورد تصمیم‌گیری پیرامون اصلاحات و تعمیم این تعدیلات، ما نیز همانند پدیدآورنده معتقد هستیم انجام چنین کاری بسیار مشکل می‌باشد.

در نشست‌های انجمن ما، با اعتراف به فواید فراوان و محسنات بسیار این اصلاحات، با توجه به مشکلات [ص ۷] عظیم، اجباراً فعلاً از اتخاذ تصمیم صرف نظر می‌شود. آخوندزاده به دلایل فوق فعلاً در صدد تعمیم این ایده و عقیده نیست. اوفقط می‌خواهد این رسم الخط نیز در ردیف دیگر خطوط اسلامی قرار بگیرد.

برآوردن این تقاضا رهین الطاف عالی و عنایات خاص حضرت عالی می‌باشد.

شیوه رسم الخط جدید، اگر برای برطرف کردن همه مشکلات موجود کافی نباشد، باز هم مساعی جمیله و اهتمام بلیغ پدیدآورنده (آخوندزاده)، شایسته تقدیر و شایان ستایش می‌باشد.

همه تأثرها و داستان‌سرایی‌های ایشان مورد دقت قرار گرفت. همه آنها به منظور تضعیف و نقد اندیشه‌های باطلی که در ممالک شرقی منتشر شده، تدوین یافته است و خود مباحث حکیمانه‌ای در بردارد و مطالعه آنها به لطف پروردگار مفید خواهد بود. اینها از سوی انجمن ما به زبان عثمانی تبدیل شده، در آینده به چاپ و نشر آنها اقدام خواهد شد. [ص ۸]

مؤلف به چهار پنج زبان از زبان‌های شرقی و غربی تسلط کامل دارد و اهتمام خاصی که به نشر معارف نشان می‌دهد، برای این خدمت به میهن و انجام این فتوت شایسته توقیر و احترام است.

از این رهگذر انجمن ما کسب‌آشنایی و ایجاد الفت با ایشان را موجب مسرت و افتخار می‌داند تا در نظر آن وکالت پناهی چقدر مقبول افتد - که در هر حال امر و فرمان منوط به آن صاحب فرمان می‌باشد.

متن مقاله قرائت شده، توسط منیف افندی

در تاریخ ۱۳ ذی‌قعدة ۱۲۷۸ درباره موضوع مزبور، در انجمن علمی عثمانی:

انجمن ما قوی‌ترین و مهم‌ترین وسیله رسیدن به مقصد خود را امروزه محضر شما معروض داشته و بیان نموده است. پیشاپیش نظر عالی را به این نکته [ص ۹] جلب می‌کنم که فعلاً اصلاح همین رسم الخط موجود برای تسهیل در آموزش خواندن و نوشتن منظور می‌باشد. میزان مشکلات رسم الخط موجود در آموزش بر صاحبان دقت معلوم است؛ به ویژه برای کسانی که با رسم الخط ملل مختلف آشنایی دارند - که اگر از باب: «الأشیاء تنکشف بأضدادها» مقایسه‌ای در میان آنها انجام دهند، دشواری آن روشن‌تر می‌شود.

رونوشت طغرای سلطان عبدالعزیز خان

فرمان ذی شأن بلند جایگاه سلطانی و طغرای غزای جهانستان خاقانی، این است که:

شیوه رسم الخط جدید میرزا فتحعلی آخوندزاده که در خدمت ترجمان فرمانداری السنه شرقی قفقاز می‌باشد و از فضایی مشهور داغستان است، در گذشته به پایتخت آمده، رسم الخط اختراعی و کتاب مدون خود را ارائه داده، اهتمام بلیغ وی به نشر معارف، از نظر هیئت پادشاهی شایان تحسین قرار گرفته، فرمان ملوکانه ما به اعطای نشان رتبه چهارم صادر شده، یک قطعه نشان پادشاهی مجیدی اعطا شده و این لوح تقدیر گرانقدر شهریاری صادر و اعطا شده است.

تحریر: در اواخر ربیع الاول سال ۱۲۸۰، در محروسه قسطنطنیه.

[ص ۱۶]

صفحه آخر از رساله سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه

سواد طغرای سلطان عبدالعزیز خان

فرمان ذی شأن سامی مکان سلطانی و طغرای غزای جهانستان خاقانی
حکمی اولدرکر

داغستان مشاهیر فضلاء سندن اولوب قفقاسیه هکدار نیک السنه شریفه
ترجمانی خردمند بولمان و کچنده درسنا دتمه گلش اولان آخوندزاده، ماژور
میرزا فتحعلی زید علمکتم رسم جدید خطه دائر اخذراع و تالیف ایش اولدو
کتابی و بود جمله نشر معارف امر اینه و فوعد کلان اهنام و سابعی
زرد مکارم و فد ملوکانه مدو شایان تحسین اولدوبینه بناء متعلق و شرف
صدر اولان امر و فرمان مکارم نشان پادشاه ما نام موجب کسرت
مجیدی نشان ذی شانینگ دور و دجی رتبه سندن بر تعلق سعایت
واحد ن تعلق اولمغه اشجور برات مکارم سمات شهر بارانم دخی
تعبیر و اعطای طغرای شجرانی او اخذ شربیع الاول سنه ثمانین و تاتین
فی محروسه قسطنطنیه

ولی اگر ما بخواهیم کتابی را مثلاً با حروف نسخ چاپ کنیم، باید حدّ اقلّ از ۵۰۰ رقم شکل استفاده کنیم و برای تحشیه و تعلیقّه آن به دوسه برابر آن نیاز است؛ چنان‌که برابر باب فن پوشیده نیست.

اکنون برای رسیدن به نشرفنون قضیه خیریه مورد نظر، رفع این مشکلات از سر راه کتابت ضروری به نظر می‌رسد.

برای رسیدن به این مقصود دوره وجود دارد:

(۱) واژگان به همان شکل موجود باقی بماند؛ جز اینکه [ص ۱۳] بر روی کلمات یک سلسله علامت جدید نهاده شود.

(۲) واژگان با حروف مقطعه نوشته شود، ولی همانند زبان‌های خارجی، حرکات در ضمن حروف نوشته شود.

راه اول اگرچه برای رسیدن به مقصود کافی به نظر می‌رسد، ولی قراردادن حرکات در زیر یا روی حروف، با توجه به اینکه معمولاً مشخص نمی‌شود که آیا این حرکات مربوط به سطر بالاست یا سطر پایین، یک تشویش ذهنی ایجاد می‌کند. اصحاب چاپ باید با مشقت فراوان و تفکرات زیاد تشخیص بدهند که این حرکات به سطر بالا مربوط است یا سطر پایین.

ولی با راه دوم این مشکلات و تکلفات برطرف می‌شود؛ برای آموزش خواندن و نوشتن و برای چاپ کتاب مشکلی پیش نمی‌آید؛ لذا راه دوم بر راه اول برتری روشن دارد.

این شیوه نگارش، با تفاوت اساسی که با رسم الخط موجود دارد، در مقام اجرا، برای تحصیل مقبولیت [ص ۱۴] همگانی، با موانع بزرگ مواجه خواهد شد؛ ولی صاحبان عقل سلیم فواید و محسنات بی‌نهایت آن را خواهند پذیرفت؛ در حسن پذیرش آنها تردیدی نیست. آنها جزوه‌ها، رساله‌ها و کتاب‌های کوچکی با این الفباء چاپ و منتشر خواهند کرد.

تأثیر سریع و زیبای این رسم الخط در مکتب‌ها مشاهده خواهد شد.

صدرتقریر مطبوع و نشان بظرف خردمندی رسیده است
رسمه ال قسطنطنیه در مدت قاهره ایلیم مقیم عتبات عثمانیه

با فراگرفتن کودکان، با مرور زمان در نزد همگان مقبول افتاده، شایع و منتشر خواهد شد.

[ص ۱۵]